



۵۰۴

خانواده گوهر تراش محله مصلی
زندگی شان را وقف این هنر کرده اند

بیرون کشیدن گوهر از جان سنگ

عکس: فاطمه چاهدی/شهرآرا

نرگس فدایی یکی از کم سن و سال ترین مربیان
رزمی کار با شاگردانش یک خانواده تشکیل داده اند

«مامان نرگس» دختران
رزمی کار ثامن

۶



۲

پس از ۲۰ سال، بولوار کرامت
بالاخره راهش را در منطقه ۵ باز کرد
شریانی تازه برای قلب مهرآباد

۷

دوتارنواز شهرک شهید باهنر
اینبار هنرش را در قالب تصویر به نمایش گذاشته است
از اجرای تلویزیونی
تا نقش آفرینی در فیلم



پس از ۲۰ سال بولوار کرامت
بالاخره راهش را در منطقه ۵ باز کرد

شریانی تازه برای قلب مهرآباد



عطائی | ساختار خیابان ها و کوچه های محله مهرآباد، هنوز همان شکل سنتی خود را حفظ کرده و متناسب با زمان های گذشته، عرض کمی دارد که تردد را مشکل کرده است. به خصوص برای اتوبوس و خودروهای سنگین.

از طرفی این محله دسترسی سختی به محلات و مناطق هم جوار دارد و به همین دلیل بود که سال ها قبل، قرار شد با احداث بولواری جدید، مرکز این محله به میدان جمعه بازار قدیم در بولوار شهید مفتاح شرقی متصل شود؛ بولواری با نام کرامت که ابتدای آن در محله ثامن گلشهر ساخته شد. اما در محله مهرآباد به در بسته خورد. چند زمین دار بزرگ و تعدادی خرده مالک باید زمین هایشان را به شهرداری واگذار می کردند تا پروژه تکمیل شود. اما گره کاری یکی دو تا نبود.

حالا پس از حدود بیست سال، با پیگیری های فراوان، بالاخره فاز نخست این بولوار تکمیل و در مراسمی با حضور جمعی از مسئولان شهری بازگشایی شده است؛ خبری شیرین و روحیه بخش برای مهرآبادی ها که حسابی خوشحالشان کرده است.

● پایان ۲۰ سال بلا تکلیفی

با بازگشایی بولوار کرامت در مهرآباد، میدان جمعه بازار به خیابان مهرآباد ۱۲ متصل شده است. فاز ۲ و ۳ هم با بازگشایی در آینده، خیابان مهرآباد ۱۵ را به بولوار کرامت و بولوار کرامت را به میدان شهید عباس پور می رسانند.

سیدرضا حسینی، رئیس جدید شورای اجتماعی محله، ابتدا درباره سابقه این بولوار می گوید: بیست سال بود که مردم محله چشم انتظار بودند. خیلی از مسئولان آمدند و وعده دادند. اما کار پیش نرفت. در این مدت محلی ها سختی بسیاری کشیدند؛ مثلاً یکی از مالکان که منزلش سر راه بولوار بود، در داستان واگذاری با همسرش به اختلاف خورد و طلاق گرفتند.

سیدرضا تعریف می کند که چطور همراه چند تن از اعضای شورای اجتماعی محله و با پشتوانه پیگیری های شهردار منطقه و اعضای شورای شهر، پا پیش گذاشتند تا خرده مالکان را مجاب کنند. البته که این وسط عتاب و خطاب هم شدند. می گوید: با مالکان جلسه گذاشتیم و گفتیم اگر همکاری کنید، مانند این است که در ساخت مسجد و بیمارستان مشارکت کرده اید؛ چون گره کار مردم را باز می کنید و منفعتش برای اهالی محله است. البته که به دست یکی از این عزیزان خشمگین سیلی هم خوردیم! حق داشتند و فکر می کردند در این مسیر ذی نفع هستیم.

● امتیازی برای تشویق به همکاری

در نهایت با امتیازی ویژه همه پای کار می آیند. سیدرضا حسینی می گوید: با اعضای شورای شهر صحبت کردیم و خواستیم به این خرده مالکان مهرآبادی امتیاز ویژه ای بدهند. با همکاری آنان و شهردار منطقه، این اتفاق افتاد و مالکان مشتاق فروش شدند. ۲۳ مالک در محله و صاحبان زمین های بزرگ مقیاس مثل بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی آقای نیازمندی پای کار آمدند. از اعضای شورای اسلامی شهر، شهردار مشهد و شهردار منطقه و همچنین معاون دادستان و سرپرست دادسرای ناحیه ۴ تشکر می کنیم که توجه ویژه ای به مسئله محله مهرآباد داشتند.

● ترافیک روان و رونق کسب و کار

جواد کاووسی، نماینده تشکل ها و رئیس سابق شورای اجتماعی محله، خیر و برکت بهره برداری از بولوار کرامت را در چند دسته تقسیم می کند. او می گوید: اول از همه ترافیک محله روان می شود. در انتهای مهرآباد، ما از حدود ساعت ۶ عصر با ترافیک سنگین و گره خورده ماشین ها روبه رو بودیم، به ویژه در سه راه آسیا که در مانگاه و دودار و خانه هم فعال هستند. از حالا به بعد، مردم دیگر مجبور نیستند وارد ترافیک خیابان عبادت شوند و می توانند از بولوار کرامت به سمت منزلشان بیایند.

موضوع بعدی که او اشاره می کند، رونق کسب و کار است. قسمتی از حاشیه بولوار جدید کاربری تجاری دارد و با ساخت و فعالیت مغازه و کارگاه، اوضاع اقتصادی محله هم رونق پیدا می کند.

سومین مورد هم افزایش امنیت محله است. کاووسی می گوید: دو مدرسه دخترانه و یک مدرسه ابتدایی پسرانه در محدوده بولوار کرامت قرار دارد و همیشه، به ویژه در شش ماهه دوم سال، امنیت این دانش آموزان در زمین های بایر آنجا تهدید می شد. او از سرویس دهی اتوبوس برای محله مهرآباد به عنوان اتفاق خوب دیگر نام می برد و می گوید: پایانه مفتاح شرقی راه اندازی شده است و در حاشیه بولوار کرامت قرار دارد. پیش از این درخواست اتوبوس برای محله داده بودیم، اما پاسخ اتوبوس رانی این بود که معابر محله با عرض کم، مناسب حرکت اتوبوس نیست. همه خطوط به شکل ون هستند و همین باعث شلوغی و ازدحام بیش از حد ون ها می شود. حالا دیگر مانعی نیست و پیگیر هستیم که متناسب با درخواست های گذشته، خط ۶۸ اتوبوس رانی از مبدا پایانه قطار شهری از داخل محله مهرآباد عبور کند و از طریق بولوار جدید به پایانه مفتاح برود.



● اجرای پروژه به شرط رضایت اهالی

محمدرضا قلندر شریف، شهردار مشهد، در آیین بهره برداری از پروژه احداث بولوار کرامت، شرط اجرای این پروژه را جلب رضایت صاحبان املاک در مسیر اعلام کرد و گفت: ۴۵ خانواده ای که ملک آن ها در مسیر قرار داشت، همراه مدیریت شهری، موجب رضایت ساکنان محله مهرآباد و شهروندان شدند. قلندر شریف افزود: به زودی امکانات رفاهی و تأسیسات شهری در این بولوار احداث خواهد شد و در نتیجه شاهد ارتقای خدمات رفاهی و فرهنگی در محله مهرآباد خواهیم بود.

● در مسیر افتتاح فاز دوم بولوار کرامت

رئیس کمیسیون سامان دهی حاشیه شورای اسلامی شهر مشهد نیز در مراسم بهره برداری از بولوار کرامت به افزایش سهم حاشیه شهر از بودجه شهری اشاره کرد و گفت: در آغاز این دوره از شورای شهر، سهم مناطق کم برخوردار از بودجه شهری فقط حدود ۱۵ درصد بود. اما با تلاش همه اعضای شورا و به ویژه با تشکیل کمیسیون حاشیه شهر، موفق شدیم این رقم را به حدود ۵۰ درصد افزایش دهیم.

سیدحسین علوی مقدم ادامه داد: با این توجه ویژه، پروژه هایی مانند بولوار کرامت که سال ها به تعویق افتاده بودند، اکنون با جدیت پیگیری می شوند. این بولوار گره ای قدیمی بود که امروز با اولویت در دستور کار قرار گرفته و فاز دوم آن با سرعت در حال اجراست.

● با همراهی مردم میسر شد

حسن صالحی مفرد، شهردار منطقه ۵ مشهد، در آیین بهره برداری از فاز یک بولوار کرامت و یازده پروژه عمرانی، ترافیکی، ورزشی و فضای سبز در منطقه ۵ با اشاره به تحولات مثبت در این منطقه گفت: با اتفاقات خوبی که در سال های اخیر رقم خورده، امروز دیگر نمی توان منطقه ۵ را حاشیه شهر دانست.

صالحی مفرد تصریح کرد: اگر پیش تر در این منطقه، دغدغه ها و گلایه هایی وجود داشت، امروز با تخصیص اعتبارات مناسب، بسیاری از این مشکلات برطرف شده اند. طی سه سال گذشته، بیش از پانصد پروژه عمرانی در منطقه ۵ اجرا شده است.

اوبه حمایت شورای اسلامی شهر و شهردار مشهد اشاره کرد و گفت: از شهردار مشهد به خاطر حمایت های ویژه و نگاه مثبت به این منطقه و همچنین از اعضای شورای اسلامی شهر مشهد که با دیدگاه توسعه محور و شیب خدمات رسانی به مناطق کم برخوردار، موجب رقم خوردن تغییرات ملموس در محلات شده اند، قدردانی می کنم.

شهردار منطقه ۵ در پایان بر نقش مؤثر مشارکت مردمی در موفقیت پروژه ها تأکید کرد و افزود: اگر خدمتی انجام شده با همراهی اعضای شورای اجتماعی محلات و حمایت مردمی بوده است و این نتیجه بدون همکاری شهرداری و مردم محقق نمی شد.

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام رسان ایتا بفرستید.



شما چه خبر

○ ● خدقوت به پاکبان محله

باتوجه به درپیش بودن روز کارگر، چند روز قبل، مراسم کوچکی برای تقدیر از پاکبان محله کشاورز برگزار شد. اهالی خیابان دهنوی به پاس مسئولیت پذیری، اخلاق خوش و تلاش های مداوم سید جلال حسینی، تصمیم گرفتند از زحماتش قدردانی کنند. این مراسم رویه روی مسجد دوازده امام (ع) برگزار شد و پاکبان محله، کارت هدیه ای به رسم یادبود دریافت کرد.



○ ● سه شنبه های معنوی محله

نیکو عقیده هفته گذشته، کانون فرهنگی و تربیتی کوثر در خیابان اروند، میزبان برنامه «سه شنبه های معنوی» بود. در این برنامه، حدود صد نفر از بانوان محله از صبح برای پخت آش دور هم جمع شدند. هرکس سهمی داشت؛ یکی سبزی آورده بود، یکی نخود و یکی کشک. پخت آش از صبح آغاز و ظهر میان اهالی توزیع شد. در کنار آن، مراسم هفتگی روضه هم در اتاق کانون برای همسایه ها برگزار شد. این برنامه ها به تقویت روابط همسایگی در محله اروند کمک کرده است.

○ ● اولین بازدید از موزه حرم، کنار نوه ها

پنجشنبه گذشته، اردوی زیارتی متفاوتی در کوی عمار یاسر واقع در محله آقا مصطفی خمینی برگزار شد. در این برنامه، هشتاد نفر از پدربزرگ ها و مادربزرگ ها همراه با نوه هایشان با اتوبوس به حرم مطهر رفتند. زیارت و بازدید رایگان از موزه حرم بخش های اصلی اردو بود؛ بسیاری از شرکت کنندگان برای اولین بار از موزه دیدن کردند. حضور نوه ها و مراقبت آن ها از بزرگ ترها، فضایی صمیمانه و به یادماندنی برای همه رقم زد.



○ ● محفل ادبی در کتابخانه شهید نواب صفوی

هم زمان با شب شهادت امام صادق (ع)، محفل ادبی «شکوه خراسان» در کتابخانه شهید نواب صفوی در خیابان مصلی برگزار شد. در این برنامه شصت نفر از شاعران و اعضای محفل حضور داشتند و بیست نفر از آن ها شعر خواندند. افشین علا مهمان ویژه مراسم بود و در بخش پایانی ضمن خواندن شعری به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) درباره شعر و ادبیات آیینی صحبت کرد.



سالن در حال تکمیل نصرت، پاسخی به نیاز جوانان

پروژه احداث سالن چند منظوره نصرت، به عنوان یکی از بزرگ ترین طرح های فرهنگی و ورزشی منطقه ۶ مشهد، با سی درصد پیشرفت فیزیکی در حال اجراست. این پروژه با بودجه ای بالغ بر ۸۳ میلیارد تومان، در راستای توسعه سرانه فضاهای فرهنگی و ورزشی شهروندان کلید خورده است و به زودی به یکی از قطب های فرهنگی منطقه تبدیل خواهد شد. حسین بنایی منش، شهردار منطقه ۶، با تأکید بر نقش زیرساخت های فرهنگی در پویایی اجتماعی در این باره گفت: سالن نصرت، پاسخی شایسته به نیاز جوانان، هنرمندان و ورزش دوستان منطقه است و با تکمیل آن، فصلی نو در توسعه پایدار فرهنگی رقم خواهد خورد.

شهر خبر



اهمیت دادن به زیبایی شهری

شهرداری منطقه ۶ در سه ماه اخیر بیش از چهارصد خطا را به سبب عدم رعایت دستورالعمل ها به منظور جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان صورت گرفته و بیشترین موارد سبب معبر پیاده رو، خودرو فرسوده، نصب تابلو غیر مجاز و مازاد، داربست غیر مجاز و خطر ساز و... بوده است. این اقدام که با کمک شهروندان و برخورد شهرداری صورت گرفته است، موجب جلوگیری از ایجاد نازیبایی منظر شهری و ایجاد نظم می شود.

شهردار منطقه ۶ مشهد از گشایش زمین چمن مصنوعی شهید غریب زاده در خیابان شهید دارایی خبر داد. حسین بنایی منش با اعلام این خبر گفت: احداث این مجموعه ورزشی با هدف کمک به رشد و توسعه مناطق کم برخوردار مشهد و توسعه محلات انجام گرفته است.

او افزود: احداث این مجموعه یکی از دغدغه ها و درخواست های ساکنان بود که هم اکنون با اعتباری بالغ بر ۵۰ میلیارد ریال به علاوه هزینه زمین چمن مصنوعی ساخته شد و در اختیار شهروندان قرار گرفته است.

بنایی منش هدف از اجرای این پروژه را ارتقای نشاط اجتماعی و فراهم سازی بسترهای سالم سازی اوقات فراغت برای جوانان و نوجوانان محله دانست و افزود: امید داریم این زمین چمن، به پاتوقی پویا برای رشد استعداد های ورزشی محله بدل شود و زمینه ساز تعامل، پویایی و توسعه اجتماعی در شهر باشد.



شهردار منطقه ۶ از افتتاح زمین چمن شهید غریب زاده خبر داد

فضایی برای رشد استعدادها

خانواده گوهرتراش محله مصلی زندگی شان را وقف این هنر کرده اند

بیرون کشیدن گوهر از جان سنگ

داستان جلد

نیکو عبده زندگی اش از دوران کودکی با سنگ و تیشه گره خورده است. محمد غلامیان در خانواده ای به دنیا آمد که هنر گوهر تراشی نسل به نسل در آن جریان داشت. به همین دلیل برادر بزرگ ترش، رضا نخستین معلم او شد. وقتی محمد هشت سال بیشتر نداشت، رضا دستش را گرفت و او را با دنیای پر رمز و راز سنگ ها آشنا کرد.

حالا خود محمد کارگاهی کوچک در مجموعه تاریخی مصلی دارد و همراه با همسر و پسرش کار گوهر تراشی را در محله مصلی پیش می برند. چالش ها و سختی های زیادی دارند اما علاقه به سنگ ها باعث شده است که ادامه بدهند. لذت تراشیدن سنگ های بی شکل و بی جان، شکل دادن، صیقل دادن و تبدیل سنگ بی شکل به گوهری درخشان!

هنری که از کودکی آموختم

مدت هاست که مجموعه تاریخی مصلی مشهد و کارگاه های هنری اش، پناهگاه امن و آرام هنرمندان شهر است. یکی از این کارگاه ها کارگاه خانواده غلامیان است. محمد غلامیان متولد سال ۱۳۵۱ دو سال پیش پایه این کارگاه گذاشت اما داستان شروع کارش، طولانی تر از این است. هشت سال بیشتر نداشت که سنگ کوچک عقیق را در دست هایش می گیرد و این هنر را می شناسد. برادر بزرگ ترش، رضا و راهمراه با خودش به کارگاه گوهر تراشی نزدیک خانه می برد تا در روزهای تابستان و ایام فراغت، هنری بیاموزد و کمک خرج خانواده هم باشند. علاقه او به شکل دادن به سنگ ها در همان روزها شکل می گیرد. رضا بعد تریک کارگاه کوچک در نزدیکی خانه خودشان در بولوار ولایت اجاره می کند و محمد را هم سر کار می آورد. کم کم تعداد کارگران کارگاه به پنجاه نفر هم می رسد و یکی یکی دستگاه های بیشتری به کارگاه اضافه می کند.

محمد غلامیان سال هادر کارگاه خانوادگی شان کار می کند. او سال ها تلاش می کند، بی هیا هو و با حوصله. سرانجام در سال ۱۳۹۸ کارگاه مستقل خودش را در همان خیابان راه می اندازد. کارگاهی که به قول خودش هر گوشه اش بوی عشق به هنر می داد.

رتبه نخست در گوهر تراشی

اما نقطه عطف زندگی حرفه ای او، سال ۱۳۹۶ است؛ زمانی که در اولین دوره مسابقات کشوری گوهر تراشی در شیراز، مقام نخست را به دست می آورد.

بعد از این موفقیت، پیشنهاد های آموزش از سوی اداره میراث فرهنگی به سراغش می آید و او تصمیم می گیرد تجربه اش را با دیگران در مجموعه تاریخی مصلی به اشتراک بگذارد. از آن زمان، آموزش هم بخشی جدایی ناپذیر از زندگی اش می شود. می گوید: طی این سال ها گوهر تراشان بسیاری را آموزش داده ام و حالا هم اگر کسی خواهان باشد، برای کلاس خصوصی برگزار می کنم.

موفقیت شاگردان بهترین روحیه

او شاگرد هایش را به سنگ هایی تشبیه می کند که شکل می دهد؛ جوانانی که ابتدا بدون هیچ تجربه ای وارد کارگاه می شوند و بعد هر کدام به گوهر تراشی زبده تبدیل می شوند. محمد تعریف می کند: بهترین خاطرات کاری من در این سال ها بر می گردد به هنر جوهایم. تعدادشان زیاد نبوده اما همان ها به من انگیزه ادامه دادن می دهند. بارها پیش آمده است که سال ها بعد شاگرد های قدیمی ام به من سر بزنند، از کار و بارشان بگویند. اینکه حالا کارگاه راه انداخته و از قبل همین شغل صاحب خانه و خانواده شده اند. وقتی این ها را از زبانشان می شنوم، تمام سختی کم تو جهی ها و نا مهربانی ها با هنرمندان از تنم بیرون می رود.

چرخه گوهر شدن سنگ خام

از او می خواهم مراحل گوهر تراشی را توضیح بدهد. با دقت و حوصله مرحله به مرحله جزئیات کار را می گوید: گوهر تراشی هنر تراشیدن سنگ های قیمتی یا نیمه قیمتی است؛ سنگ هایی که قرار است روی طلا، نقره و... سوار شوند. سنگ بی شکل پروسه ای طولانی را طی می کند تا بی نقص و زیبا شود. ابتدا سنگ را برش می زنند و قسمت های بدون رگه و خالص آن را جدا می کنند. بعد با دستگاه محک به آن شکل می دهند. هنگام تراشیدن، آب روی سنگ جاری می شود تا سنگ گرم نشود و گرد و خاک بلند نشود. بعد سنگ شکل گرفته را با صمغ به سربیک چوب مخصوص می چسبانند و دوباره با صفحه ای که تراشه های الماس دارد، تراش می خورد تا جلای پیدا کند. بعد هم سنباده می خورد. آخرین مرحله هم پولیش سنگ است و گوهر می تواند روی گرد نبندد، انگشتر و... سوار شود.

دورهمی کار و زندگی خانواده گوهر تراش

مریم محمد زاده، همسر او حالا تراش سنگ ها را انجام می دهد، هر چند که می تواند به تنهایی صفر تا صد کار را انجام بدهد. عشق و علاقه به گوهر تراشی را محمد غلامیان در دل او انداخته است. مریم، پس از ۱۰ سال زندگی مشترک، تصمیم گرفت این هنر را از همسرش یاد بگیرد. با حوصله و عشق، قدم به قدم کنار محمد ایستاد تا امروز که می تواند تمام مراحل کار را مثل یک استاد تمام عیار انجام بدهد.

حالا نزدیک به دو سال است که این خانواده، در دل مصلی تاریخی مشهد، کارگاه خودشان را دارند؛ کارگاهی کوچک اما پر از زندگی، که محمد، مریم و پسرشان، حامد، هر روز در آن مشغول تراشیدن سنگ ها هستند.

هر سنگی سختی خودش را دارد

عشق بی پایان به کار باعث شده است محمد غلامیان مهارت خارق العاده ای در کارش پیدا کند. حالا هر سنگی که به دستش می رسد، انگار سر تسلیم فرود می آورد.

از فیروزه و عقیق گرفته تا سنگ های سخت تر، هر کدام ابزار و تکنیک مخصوص خود را می طلبند. او با بختند، از هنر و تخصصش می گوید: حالا می توانم چشم بسته سختی و نرمی سنگ ها را تشخیص بدهم و هر سنگ سر سختی را رام کنم.

مریم محمد زاده ادامه حرف های همسرش را می گیرد و می گوید: وقتی سنگ را در مشت می گیری، تمام آرامش و سکوتش به تو منتقل می شود. به نظر من این کار وابستگی می آورد و توازن یک جایی به بعد دیگر نمی توانی از آن دل بکنی. حالا اگر یک روز به کارگاه نیایم، انگار روزمان شب نمی شود. برای آن ها، کار فقط کار نیست؛ بخشی از زندگی و روحشان شده. سکوت سنگ ها، زبان مشترک این خانواده هنرمند است.

گوهر

آرام

می شود

دغدغه

بستر عالی

اینجا را نم

بیشتر فرو

انجام می

محمد با ت

قرمز در ک

هیچ ج

ندان

...

ادامه راه، بانسل جدید

هنر در خانواده غلامیان یک میراث زنده است. حامد، پسر این خانواده، متولد ۱۳۸۵ حالا در کنار پدر و مادرش یک گوهر تراش حرفه‌ای شده است. از همان کودکی، دست در دست پدر، چم و خم این هنر ظریف را یاد گرفته است. محمد غلامیان با افتخار انگشترهایی را که حامد ساخته نشان می‌دهد؛ انگشترهایی که با ظرافت و دقتی مثال زدنی تراش خورده‌اند. حالا این خانواده کوچک، دونسل هنری را در دل کارگاهشان جا داده‌اند؛ نسلی که با صبر، عشق و مهارت، سنگ‌های سخت را به درخشش و زندگی تبدیل می‌کنند.

گوهرهایی که گاهی خطرناک‌اند

کار با سنگ، زیبایی‌های زیادی دارد، اما سختی‌هایش هم کم نیست. مریم محمدزاده توضیح می‌دهد که برخی سنگ‌ها، مثل مالاکیت، سمی هستند و گرد ناشی از برش آن‌ها می‌تواند آسیب‌های جدی به ریه‌ها وارد کند. تراژدی دردناک خانواده غلامیان اینجاست که می‌خورد. رضا غلامیان، برادر محمد، دو سال پیش بر اثر مشکلات ریوی ناشی از همین کار از دنیا رفت. محمد با صدایی آرام می‌گوید: یک گوهر تراش همه این سختی‌ها را به جان می‌خرد، چون عاشق این هنر است.

برترشان حمایت نمی‌شوند

مش و سکوت مصلی گاهی آزاردهنده بود. محمد غلامیان با لحنی آرام اما پراز در این باره می‌گوید: اینجا می‌توانست یک برای فروش هنر هنرمندان باشد، اما کسی نمی‌شناسد. هیچ تبلیغاتی انجام نشده است. ش آن‌ها از طریق صفحه‌های مجازی‌شان شود. صادرات هم وضعیت خوبی ندارد. سف ادامه می‌دهد: ما قطب سنگ عقیق شور و حتی کشورهای همسایه هستیم. بای دنیا هنر سنگ تراشان ایرانی را بد، اما مجوزهای صادرات به سختی صادر می‌شود و حمایتی هم از هنرمندان نمی‌شود.

مصلی تاریخی، فضایی آرام اما ناشناخته

هزارچندگانه‌ی بازدیدکننده‌ای در ساختمان مصلی تاریخی مشهد قدم می‌زند. اینجا حال و هوای خاصی دارد. راهروهایش پر از کارگاه‌های کوچک هنری است؛ از نقاشی و سفال‌سازی گرفته تا گوهر تراشی. وقتی در این فضا قدم می‌زنی، بیشتر از همه برق سنگ‌های رنگارنگ کارگاه محمد غلامیان از دور نگاهت را جذب می‌کند. محمد با شوق، کارش را برای بازدیدکنندگان توضیح می‌دهد. از چگونگی استخراج سنگ‌ها، تا فرایند دقیق تراش و پرداخت نهایی. آرامشی که در فضای کارگاه جاری است، انگار به خود خانواده هم منتقل شده است. هر سه نفر آرام‌اند، کم حرف، اما پراز عشق به کاری که انجام می‌دهند.



۵



راه تجربه

نرگس فدایی یکی از کم سن و سال ترین مربیان رزمی کار با شاگردانش یک خانواده تشکیل داده اند

«مامان نرگس» دختران رزمی کار ثامن

۳۰ ثانیه طلایی
خانم مربی

این وسط باز هم هستند شاگردانی که همچون خودش برای رؤیای هایشان هر رنجی را به

جان می خرد تا سرانجام، آن روی سکه را ببینند! نرگس می گوید: شاگردانی دارم که تا الان در همه مسابقات، شکست خورده اند اما همچنان با قدرت و انگیزه هر چه تمام تر ادامه می دهند و نگذاشته اند باخت های مکرر، سد راهشان برای پیشرفت شود. من هم همیشه گفته ام که هر باخت مساوی یک تجربه است و نباید مانع ادامه دادن شود.

حدیثه، خواهر کوچک ۷ ساله اش که ارشد کلاسش هم هست، خاطره جالبی در این باره تعریف می کند: در مسابقات باشگاهی حریفم از من درشت تر بود. با تشویق های خواهرم مبارزه را شروع کردم. همان راند اول با یک ضربه از رینگ پرت شدم بیرون! با گریه به آغوش خواهرم (مربی) آمدم و گفتم من ادامه نمی دهم! آجی نرگس خیلی محکم گفت «اگر آجی من هستی، ادامه می دهی!» این حرف آجی انگار قوت قلب بهم داد. برگشتم توی زمین و این بار نتیجه به نفع من تمام شد و برنده آن مبارزه شدم.

نرگس در آن مسابقه، فقط سی ثانیه با خواهر هفت ساله اش تمام حجت کرد اما تأثیر صحبت هایش آن قدر زیاد بود که هم در آن مبارزه برد؛ هم بعد از آن در مسابقه دیگری مقابل حریف قدری قرار گرفت و این بار همان ابتدا، نتیجه مبارزه را به نفع خودش تمام کرد.



نمی خواهم مسائل مالی سد پیشرفتشان شود

نرگس فدایی از آن دسته مربیانی نیست که از همان روز اول، کلی هزینه خرید وسایل و تجهیزات مربوطه را روی دست خانواده ها می گذارند، بلکه دست کم دو ماه فرصت شناخت هنرچوها را نسبت به کیک بوکسینگ در نظر می گیرد و بعد به تدریج اقلام مورد نیاز را اعلام می کند که برای ادامه کار تهیه شود. حتی وسایل قبلی خودش را به آن ها که توان خرید ندارند، امانت می دهد تا از تمرین عقب نمانند؛ لوازمی که دست به دست می چرخد و کار را پیش می برد. او می گوید: برای من استعدادیابی مهم تر از درآمدزایی است. هر هنرجو برای شرکت در مسابقات باید هزینه پرداخت کند که برخی خانواده ها امکانش را ندارند. پیش آمده است که من خودم این هزینه را برای شاگردانم پرداخت کرده ام که مبادا به این بهانه از رقابت در مسابقات بازمانند.



هم مربی
هم مشاور
هم دلسوز

با وجود همه سخت گیری هایش برای رعایت نظم و احترام، شاگردانش او را

«مامان» خطاب می کنند. همه در دل هاود غده هایشان را با مامان نرگس در میان می گذارند و او را مربی، یک مشاور امین و دلسوز برای شاگردانش بوده است. خودش می گوید: بیشتر لحظات من با کیک بوکسینگ و شاگردانم پر می شود و تقریباً هیچ زمان خالی ای برای کار دیگری ندارم. در این دو سال که وارد دنیای مربیگری شده ام، حتی سال تحویل را با شاگردانم بوده ام، با هم به حرم امام رضا (ع) می رویم، برنامه تفریحی در بوستان های مختص بانوان می گذاریم و همان جا هم از تمرین غافل نمی شویم. در شادی ها و برد ها با هم شادی می کنیم و در ناراحتی ها و باخت ها با گریه شان، اشک می ریزم که احساس ضعف نکنند و بدانند که تخلیه انرژی هیچ اشکالی ندارد.

با اینکه تنها منبع درآمدش از مربیگری است، یک عهده را از همان ابتدا با خودش بسته است که نداشته های هزینه ثبت نام مانع هیچ کودک علاقه مندی برای آموزش نباشد. با این اعتقاد، بارها پیش آمده است که نرگس، دختر بچه های مستعد را بدون گرفتن وجهی پذیرفته و همه تلاشش را برای امید آفرینی و ایجاد انگیزه رشد در شاگردانش به کار بسته است.



ساجدی نیا از همان کودکی پشت ظاهر آرامش، یک دنیا شور و هیجان و اراده فریادمی زد. نرگس رؤیای مربیگری را از همان زمانی که در تنهایی خودش عروسک بازی می کرد، در سر پرورانده بود؛ سه چهار ساله بود که همراه مادرش به باشگاه می رفت و همیشه خودش را در جای مربی تصور می کرد. همین هم بشد: او حالایکی از جوان ترین و کم سن و سال ترین مربی های رزمی کار در رشته کیک بوکسینگ است. نرگس فدایی بانوزده سال سن از دو سال پیش کار مربیگری را در ورزش مورد علاقه اش شروع کرده و در همین مدت کم، آوازه مهربانی اش طوری در محله ثامن پیچیده است که شاگردان بسیاری دور و برش جمع شده اند!

تا بیست سال گذشته بود که نرگس در مسابقات کشوری که در مازندران برگزار شد در دو جایگاه شرکت کرد: مربی و شرکت کننده و در هر دو موقعیت موفق به کسب مقام شد؛ خودش طلا گرفت و شاگردانش نقره و برنز!

ورزش رزمی، راهی برای نظم و مسئولیت پذیری

صحبت هایش را با این تأکید شروع می کند که خلاف باور عموم، ورزش مورد علاقه اش ممکن است ظاهر خشنی داشته باشد اما روحیات پهلوانی در آن رواج دارد. می گوید: مهم ترین آدابیه که هنرچوها از همان ابتدا می آموزند، ادب و احترام است؛ برای نمونه، حدیثه، خواهر کوچک من ارشد کلاس است و همه می دانند که وقتی وارد کلاس می شوند، دیگر سن و سال ملاک نیست و باید به او به عنوان ارشد احترام بگذارند. نرگس یک نکته مهم هم به پدرها و مادرها یادآوری می کند که «اگر می خواهید نظم و مسئولیت پذیری از سنین کم در فرزندتان نهادینه شود، او را در رشته های رزمی ثبت نام کنید.»

اول علاقه ات
زایید اکن

قصه علاقه مندی اش به کیک بوکسینگ را این طور تعریف می کند: از کودکی عاشق ورزش بودم. بیشتر وقت ها همراه مادرم به باشگاه می رفتم. بعد ها که به مدرسه رفتم، همیشه در ورزش پیشتاز بودم. خودم را در بیشتر رشته های ورزشی محک زدم و مقام هایی هم به دست آوردم؛ از والیبال و دوومیدانی گرفته تا ژیمناستیک و کاراته. کونگ فو و کیک بوکسینگ همرا پدرم پای ثابت تماشای مسابقات والیبال بودم اما انگار هیچ کدام از این ها آن چیزی نبود که راضی ام کند تا اینکه پا به رشته کیک بوکسینگ گذاشتم و آن قدر مجذوبش شدم که دیگر نتوانستم از آن دل بکنم.

تجربه ای را که در این سال ها به دست آورده است، در یک جمله خلاصه می کند: «اول علاقه ات زایید اکن، بعد برای رشد در آن مسیر تلاش کن!»

نرگس از حمایت های پدرش نیز بهره برده است؛ می گوید: هنوز هم نگاه هایی وجود دارد که معتقدند رشته های رزمی مناسب بانوان نیست و با همین باور هزار و یک مانع بر سر راه دختران علاقه مند ایجاد می کنند اما خوشبختانه شانس بزرگ من در زندگی، داشتن پدری آگاه بود که وقتی اشتیاق مرادید، همواره تشویق کرد و اتفاقاً همیشه می گفت «اگر تنها آورده این ورزش برای افزایش قدرت بدنی و دفاع از خودت باشد، برایم کفایت می کند.»



دوتارنواز شهرک شهید باهنر اینبار هنرش را در قاب تصویر به نمایش گذاشته است

از اجرای تلویزیونی تانقش آفرینی در فیلم



دیدار آشنا

● وقتی دوتارنواز، بازیگر می شود

شاید خودش هم فکرش را نمی کرد که روزی جلو دوربین فیلم برداری قرار بگیرد و نقش بازی کند، اما زندگی همیشه چیزهایی برای شگفت زده کردن دارد. سعید احمد، این بار نه با دوتار که با بازیگری، مهمان قاب تلویزیون شده است. او از طرف عباس مهاجران، یکی از تهیه کننده های شبکه خراسان، پیشنهادی برای ایفای نقش در فیلم مستند «پزشکان» را دریافت کرده است.

فیلم درباره کودکی است که دچار یک بیماری خاص می شود و در بیمارستان اکبر مشهد بستری می شود. سعید احمد نقش پدر این کودک را بازی می کند؛ پدری ساده، نگران و عاشق که بی وقفه کنار فرزندش می ماند. فیلم برداری در درو روز انجام شده است و بیشتر صحنه ها در فضای بیمارستان ضبط شده اند.

سعید احمد می گوید: اولش فکر می کردم نمی توانم جلو دوربین راحت باشم. اما اجراهایی که قبلا با گروه داشتیم به من کمک کرد. انگار حس صحنه را می شناختم. وقتی لباس آن پدر را پوشیدم، خود به خود رفتم توی نقش. حس خاصی داشت، یک جور غم قشنگ، یک دلتنگی عمیق...

انگار واقعا پدر آن بچه بودم. این فیلم مستند به زودی از شبکه خراسان پخش می شود. شاید این شروع مسیری تازه برای هنرمندی باشد که همیشه با صداقت و بی ادعازنگی کرده؛ چه روی صحنه موسیقی، چه جلودوربین.

در استودیوی شبکه جام جم ضبط شد؛ اجرایی در وصف امام رضا(ع) که بعد از پخش با واکنش های مثبتی روبه رو شد. خیلی ها از شهرهای مختلف پیام دادند و گفتند بعد از اجرای آن ها، دلشان هوای مشهد و زیارت حرم کرده است. برای هنرمندی مثل سعید احمد، این باز خورد ها ارزشش از هر مقام و تقدیری بیشتر است.

چند ماه قبل هم در برنامه «شب شرقی» از شبکه خراسان، گروه روی آنتن زنده اجرا داشت و با اجرای چند موسیقی و آواز محلی، دل مخاطبان بسیاری را برد. او می گوید: این اجراها باعث شده مردم بیشتر با موسیقی محلی خراسانی آشنا بشوند. ما خوشحالیم که توانستیم صدا و فرهنگمان را به گوش آدم های بیشتری برسانیم.



نیکو عقیده چند سال پیش که برای اولین بار با سعید احمد سرکوهی گفت و گو کردیم. تعداد مقام ها و اجراهایش به اندازه امروز نبود. حالا اما دیوارهای خانه اش پر شده از لوح های تقدیر، عکس های اجرا و یادگاری هایی که هر کدام، قصه یکی از شب های دوتارنوازی اش را روایت می کنند. هنرمندی که از سرخس آمده، سال ۱۳۷۴ اولین دوتارش را خریده و حالا سال هاست که با گروه «ساریکا» روی صحنه می درخشد. از اجرای تلویزیونی در شبکه های مختلف طی همین یکی دو سال گذشته، گرفته تانقش آفرینی در مستندی که به تازگی قرار است پخش شود. در گفت و گویی کوتاه، سراغی از کارهای جدیدش گرفتیم.

● اجرای آنتن زنده تلویزیون

گروه «ساریکا»، هنوز همان گروه چند سال پیش است؛ با همان نوازنده ها و خواننده های اصلی. گاهی چهره های تازه ای برای اجراهای خاص به آن ها می پیوندند، اما هسته اصلی گروه تغییر نکرده است. بینشان دوستی محکمی هست، مثل ریشه های درختی که سال ها کنار هم رشد کرده اند. سعید احمد می گوید: حالا بیشتر شناخته شده ایم. پیشنهاد برای اجرا بیشتر شده است. به خصوص از شبکه های تلویزیونی. وقتی مردم با موسیقی ما ارتباط می گیرند، انگیزه ما هم برای ادامه دادن بیشتر می شود. آخرین اجرای گروه شان، بهمن ماه

دانش آموز ممتاز رشته مکانیک هنرستان ابتکار فقط به تئوری بسنده نکرده است

به عمل کار برآید

● فکر می کنی چه زمانی به آرزویت

می رسی؟

شاید تا بیست سال بعد.

● اگر در مدرسه دیگری درس می خواندی،

باز هم موفق می شدی؟

شاید؛ اما در این المپیاد، به هر مدرسه ای در هر نقطه شهر که رفتم، امکانات مدرسه ما را نداشتم. موتور و ابزار کارگاه ما کامل است. معلم ها، سرپرست کارگاه و مدیران هر چه لازم و ابزار نیاز بوده تهیه کرده اند تا بچه ها با آن ها کار کنند و مسلط شوند. معلم آقای رسول رجبی خیلی وقت گذاشت و تا لحظه آخر قبل از مسابقات همراهم بود و الا آن هم هست؛ همچنین مدیر مدرسه، آقای سید ابراهیم حسینی نژاد خیلی پیگیر پیشرفت و موفقیت من بود.

● به نظر تو با رشد سریع فناوری، آموزش های مکانیک در هنرستان ها قادی می و نا کارآمد نمی شوند؟

درست است که خودروها هر روز پیچیده تر می شوند اما اساس کار همین است که آموزش می بینیم. ماهیت قطعات عوض نمی شود و آموزشی که دیدیم همیشه کاربردی است.

● حتی اگر روزی خودروهای برقی و سوخت ترکیبی وارد بازار شوند، باز هم به مکانیک نیاز است؟

خودرو از ابتدای ساخته شدن تا حالا همیشه در حال تغییر و تحول بوده و همیشه به کاربر انسانی برای تعمیر و نگهداری نیاز دارد. لازم است که درباره فناوری های جدید بخوانم و بدانم تا از کارشان سر در بیاورم. البته نظر شخصی من این است که خودروهای سوخت فسیلی هیچ وقت کاملاً کنار گذاشته نمی شوند.



● دوم شدن در المپیاد چه

درسی داشت؟

اینکه بیشتر تلاش کنم و در ادامه زندگی آن قدر فاصله کیفیت کارم با رقبایم بیشتر کنم تا به نتیجه دلخواه برسم.

● چند ماه دیگر که فارغ التحصیل شدی، سراغ بازار کار می روی یا دانشگاه؟

می خواهم در رشته مکانیک تحصیل کنم و وارد دانشگاه شوم.

● آرزوی نهایی ات چیست؟

اینکه یک شرکت خودروسازی تأسیس کنم و بهترین و با کیفیت ترین خودروها را به دست مردم برسانم.

● عطائی دانش آموز رشته مکانیک و برق

خودرو هنرستان ابتکار محله مهرآباد، روزهای آخر تحصیلش در هنرستان را می گذراند و این سال را پرهیاهو پشت سر گذاشته است.

محمد مرتضی بخشی امسال در چندین آزمون ورودی المپیاد شایستگی محور مکانیک خودرو شرکت کرد و پس از منتخب شدن میان دیگر دانش آموزان مدرسه به مرحله ناحیه ای رفت. او پس از راه یافتن به مرحله منطقه ای با کسب جایگاه دوم از صعود به مرحله استانی جاماند. اما همین نتیجه، نوجوان محله مهرآباد را بیشتر از پیش مصمم کرده است که در مسیر موفقیت پیش برود.

● کی به رشته مکانیک علاقه مند شدی؟

شاید حدود ده سالگی ام بود که فهمیدم بیشتر از هر چیزی دوست دارم درباره خودرو و موتورش بدانم. اسباب بازی هایم را قطعه قطعه باز و دوباره سرهم می کردم و لذت می بردم.

● در مدرسه و آموزش های رشته تحصیلی ات

هم همین حس را داری؟

هر چیزی که می فهمم و انجام دادنش را یاد می گیرم، برایم لذت بخش است.

● ظاهراً کار هم می کنی.

حدود یک سالی می شود که در مغازه ای مشغول هستم تا به صورت عملی کارم را یاد بگیرم.



چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی

محلات منطقه‌ها

مهدی‌آباد، رضائیه، سجاده، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه



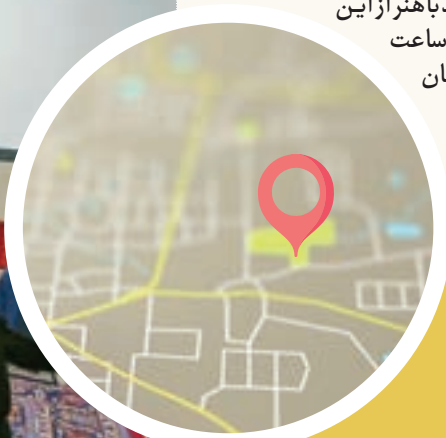
○ شهرداری زحمت کشیده و این نهال‌ها را در ابتدای خیابان مهرآباد کاشته است. کاش ساقه‌شان را مهار کنند تا در باد و بوران نشکنند.

تصویر و متن از یاسمن حیدری



○ بازارچه هفتگی بانوان شهرک شهید باهنر از این هفته آغاز شده است. این بازارچه شنبه‌ها از ساعت ۹ صبح تا ۱۷:۳۰ در مسجد الرضا^(ع) بین خیابان حر ۴۵ و ۴۷ ویژه بانوان دایر است.

تصویر و متن از ناهید آذرنوش



محله به روایت شما



○ حسینیه سیدالشهدا^(ع) در محله امیرالمؤمنین^(ع) میزبان بانوان شرکت‌کننده در کارگاه «مهارت پیش از ازدواج» طرح ترنم زندگی بود.

تصویر و متن از علیرضا حیدری



○ اعضای شورای اجتماعی محله رضائیه از پیشکسوت هیئتی محله، علی همتی که این روزها بیمار است، عیادت کردند و به او انرژی و امید دادند.

تصویر و متن از علی اصغر زارع‌زاده



○ کلاس تقویتی ریاضی پایه‌های اول تا چهارم به میزبانی مسجد جوادالائمه^(ع) کوی عمار یاسر در محله آقامصطفی خمینی برگزار می‌شود.

تصویر و متن از محمد ابراهیمی